

اجتماع و کودکان نورسته

* نگاهی گذشته

* اهمیت آموزش و پرورش در دنیای امروز

* مسئولیت بزرگ

دنیای امروز ، از چند جهت ، با دنیای گذشته فرق دارد ، روزگاری بود که بشر ، با مرخواندن و نوشتن و علم و دانش ، اهمیت نمیداد و آنرا برای زندگی لازم نمی‌شمرد و احیاناً توجه بان را امری تفننی و زائد و گاهی لغو و ننگین می‌شمرد ، در کشور یونان - که مدت‌ها مهد علم و فلسفه بود و نوابغ علم و فلسفه : سقراط ، افلاطون ، ارسطو و . . . رادرخویش پروراند و از مغز آنها ، افکار فلسفی بدیگر نقاط جهان ، تراوش نمود آموزش گاری را عیب ؛ می‌پنداشتند و وزشترین ناسزا این بود که بگویند : «فلانی آموزش‌گارشده است !» . (۱)

عربها بکلی از علم و دانش بی‌بهره بودند و حتی در آغاز اسلام ، فقط هفده نفر ، نوشتن را میدانستند و با آنهمه تأکیدات فراوانی که پیامبر عالی‌قدر اسلام ، نسبت بتعلیم و تربیت نمود و سفارش کرده که مسلمانان باید از هر گهواره تا گور ، دانش بجویند و قرآن کریم ، اعلام کرد که : «مردم دانا با مردم نادان برابر نیستند» (۲) و «تنها دانشمندان از خدا می‌ترسند» (۳) ، مع الوصف ؛ (بگفته‌ی جاحظ در کتاب البیان و التبيين) یکی از اعراب میگفت : «مناسب شتون یکنفر قرشی نیست که جز تاریخ قدیم اعراب ، چیز دیگری بداند ، مخصوصاً حالا که هر کس باید تیر و کمان بردارد و بدشمن حمله کند» و ذوالرمله که یکی از اشعاران عرب است (متوفی بسال ۱۱۰ هجری) : ترس داشت که هنر کتابت خود را آشکار سازد زیرا بگفته

(۱) تاریخ فرهنگ اروپا تألیف دکتر صدیق

(۲) سوره ۳۹ آیه ۱۲

(۳) سوره ۲۵ آیه ۲۵

او نوشتن نزدا عراب، ننگ بود!» (۱).

با اینهمه، در دورانی که اروپای قرون وسطی، در گرداب جهل و نا بخردی دست و پا میزد و کلیسا با کمال استبداد و خود سری، مردم اروپارا بحال جمود و رکود، نگاه داشته بود و برای جلوگیری از نهضت های فکری و خدمات دانشمندی؛ چون کپرنیک، برنو (که با کمال شقاوت در آتش سوزانده شد)، کپلر؛ گالیله و... بهر وسیله نامشروع و غیر انسانی متوسل میگردید، مسلمانان، در پرتو تعالیم عالیة اسلام - علیرغم بسیاری از تعصبات ناروا که به شمه ای از آن اشاره شد - در راه تعلیم و تربیت، بکوشش و فعالیت، پرداختند و با اقتباس تحقیقاتی که در گذشته، مردم یونان، هند، ایران و مصر، کرده بودند، خود با اختراعات و اکتشافات جدیدی نائل گردیدند و فصلی نوین بردانش انسانی افزودند و بنیان تمدن کنونی را که بدست اروپائیان باوج کمال رسید، نهادند.

اهمیت آموزش و پرورش در دنیای امروز :

روایتی که اروپائیان، طی جنگ های صلیبی؛ با دنیای متمدن اسلامی آنروز، پیدا کردند وسیله بیداری آنان گردید و با آنها نشان داد که یگانه وسیله ترقی و تعالی، توجه به علم و دانش، و بوجود آوردن آموزش و پرورش همگانی است و بجز آن میتوان مدعی شد که: **علت اصلی بایکی از علل اصلی رنسانس، مسلمانان هستند!**

لوتر، برای اولین بار، پیشنهاد کرد که دولتها موظفند آموزش و پرورش ملت های خود را به عهده گرفته و با اجبار؛ کودکان را تحت تعلیم و تربیت در آورند و راه را برای ترقی و تعالی، بروی ملت های خود بگشایند. (۲)

کار بجائی رسید که اصولاً آموزش و پرورش، خود علمی مستقل گردید و شعبی از قبیل، فلسفه آموزش و پرورش و اصول آموزش و پرورش پیدا کرد و دانشمندی چون: دربارت - رسو، فربل؛ پستالزی، جان دیوئی و... در این رشته ها قدم بر صفت وجود گذاردند و برای کودک - انسان که باید و شاید - ارزش و احترام، قائل شدند؛ در صورتیکه دیگران؛ او را موجودی با اصطلاح فعل پذیر و ناتوان، پنداشته و بخودی خود برای او ارزشی قائل نبوده، و دوران کودکی او را مقدمه و پیش در آمد بلوغ پنداشته و تصور میکردند که فقط، فرد بالغ، پخته و کامل است، در صورتیکه از نظر آموزش و پرورش؛ هیچ چکس در هیچ مرحله ای کامل و تام

(۱) تاریخ فرهنگ ایران تألیف دکتر صدیق.

(۲) تاریخ فرهنگ اروپا تألیف دکتر صدیق.

و تمام نیست ، از اینرو امرسن (Emerson) میگوید : « بکودک ، احترام گذارید ؛ در زندگی او زیاد مداخله نکنید و خلوت او را بر هم مزیند ، میدانم که برخی از مردم ؛ باین سخن ، اعتراض میکنند و میگویند شما میخواهید ، بنام احترام کودک ، زمام نظم عمومی و خصوصی را از دسترها کنید و کودک نورسته را با میال و موسهای دیوانه وار خود ، واگذارید ؛ باینان باید پاسخ گفت که بکودک احترام گذارید و در این کار کوتاهی مکنید ولی بخود نیز احترام گذارید . . . در تربیت کودک ، دو نکته مهم است : مقتضیات طبع کودک را مراعات کنید و موافق جهتی که دارد ؛ بیارش آورید و بسلاح دانش مسلحش کنید» (۱) و با زهم با تاکید تمام ، میگوید : «راه تربیت صحیح ، همین است و راهی بس دشوار است ، معلمی که این راه را می پیماید ، برخلاف معلمی که بدرس گفتن ، اکتفا میکند ، باید همه وقت و نیرو و فکر و شخصیت خود را بکار گیرد» (۲)

دیگر آموزش و پرورش ، موقعیت خاصی پیدا کرد و نسبت بسراسر دوره زندگی يك انسان آرمانی ، نظراتی ارزنده ، ابراز داشت .

جان فیسک (John Fiske) در کتاب : «گردشهای يك پیر و عقیده تکامل تدریجی» معتقد است که «هر چه بر تکامل حوامع بشری افزوده میشود ، لزوماً عمر کودکی و دوره رشد اطفال نیز طولانی تر میشود زیرا تکامل جامعه ، ایجاب میکند که حقایق بسیار فراوانی در کودکی بنواوگان آموخته شود ، همچنانکه افزایش دانستنیهای کودکان هم بنوبه خود ؛ سبب تکامل جامعه میگردد» (۳)

مسئولیت بزرگ :

راست است که هنوز دنیا نتوانسته است ، با همه زحمات و مشقتها و مخارج سنگین ، که در راه آموزش و پرورش ، مبذول داشته است ، بساختن انسان ایده آل و آرمانی توفیق یابد ولی در این راه ، مسافت زیادی پیموده است و شاید ، بلکه قطعاً ؛ بیش از آنچه پیموده است از هدف دور

(۱) و (۲) کتاب مقدمه ای بر فلسفه آموزش و پرورش ؛ در اینجا برای اینکه معلوم شود اسلام تا چه اندازه کودک را محترم شمرده و برای شخصیت او ارزش قائل شده است به بحث تفسیر قرآن در شماره چهارم سال ششم مجله ، مراجعه شود .

Excursions of an Evolutoinist (۳)

برخی از روانشناسان بر همین اساس ؛ میگویند : «چون طول دوران کودکی مردان بیش از زنان است معلوم میشود ، که جنس مرد کمالتر از جنس زن می باشد» در مورد حیوانات هم این نظریه کاملاً صادق است ، زیرا دوران کودکی حیوانات ؛ نسبت بانسان ، بسیار کوتاه است و بهمین دلیل ، کمال انسان ، بمراتب ، بیش از حیوانات است .

و در هنوز اندر خم يك كوچه، است .

و اینهم راست است که مملکت ما از کاروان تمدن کنونی بشر، فرسنگها دنبال و نسل جوان از جنبه های اخلاقی و تربیتی به پرتگاه سقوط نزدیک است **و بامختصر غمات ؛ سقوط خواهد کرد !**

اینجاست که جامعه ما یک مسئولیت بزرگ، در برابر نسل جوان، پیدا میکند و موظف است که دین خود را ادا نموده و این بار سنگین را بمنزل برساند .
طبقه معلم؛ جزئی از اجتماع و کاوش آموزش و پرورش عمده بوده و موظف است که کار خود را چنانکه در مقاله پیش شرح دادیم - انجام دهد .

ولی از آنجا که تنها آموزش و پرورش عمده در سر نوشت کودکان دخیل نیست و آموزش و پرورش غیر عمده نیز در سر نوشت آنان، دخالت تام، دارد؛ سایر طبقات اجتماع نیز بنوبه خود وظایفی دارند که برای تکمیل کار معلم، ناگزیرند بوظائف خویش عمل کنند .

اگر معلم تعلیمات دینی؛ در کلاس درس، عقاید و اعمال دینی را بکودکان یاد دهد و کودکان، از پدران، مادران، سایر بستگان و طبقات اجتماع، عقاید و اعمال ضد دینی مشاهده کنند؛ بطور قطع، کار معلم خنثی خواهد شد .

اگر معلم اخلاق، در کلاس درس، از زشتی و ناروایی دروغ، بخل، حسد، تهمت، خیانت و . . . سخن گوید و دانش آموز؛ در خانه و اجتماع؛ خلاف آنچه شنیده است،

بنکرد و اکنش روحی او چه خواهد بود ؟ !

شما پدران و مادرانی که از کودکان خویش، انتظار راستی و درستی و انسانیت دارید . شما مردمیکه از نسل جوان انتظار ترقی و تعالی دارید، و بالاخره شما میکه از توسعه روز افزون مفاسد، در میان نونهالان اجتماع، رنج میبرید، بیایید، علاج واقعه را پیش از وقوع کرده؛ با دستگاههای تربیتی مثبت و صحیح، همکاری کنید و نسل جوان را در راه صلاح و خوشبختی، بحرکت آورید و نگذارید این نونهالان نورسته، دستخوش سموم مفاسد اخلاقی گردند .

شما همان پیشوایانی هستید که بفرمایش علی (ع)، باید: «نخست بآموزش و پرورش خویش و سپس بآموزش و پرورش دیگران پردازید؛ و پیش از آنکه بزبان بآموزش و پرورش دیگران پردازید، بارفتار خود، آنها را تحت تعلیم و تربیت خود در آورید و توجه داشته باشید که کسیکه بتعلیم و تربیت خود پردازد؛ از کسیکه بتعلیم و تربیت دیگران پردازد؛ بیشتر سزاوار تجلیل و احترام است» (۱)